

## افترا در قانون انگلستان

قاضی باید ببیند آیا در نظر اول ممکن هست که انتقاد مورد بحث را از مسائل مربوط استنباط کرد یا نه و هرگاه به نظر مشار الیه چنین استنباطی معقول باشد موضوع را بهیئت ژوری رجوع خواهد کرد که بگویند آیا استنباط مزبور در این مورد مخصوص صحیح است یا نه بطور کلی لازم نیست انتقاد حتماً مطابق با واقع باشد بلکه باید منصفانه باشد یعنی باید در نظر هیئت ژوری نوعی باشد که بتوان از یک شخص منصف عادی با در نظر گرفتن تمام تعصبات و عقاید افراطی که معمولاً همه اشخاصی دارند متوقع بود انتقاد منصفانه عبارت از انتقادی است که گوینده از روی حسن نیت معتقد بدرستی آن بوده و قصد سوئی نداشته باشد اگر انتقاد ظاهراً منصفانه باشد ولی معلوم شود که مبني بر سوء نیت بوده قابل شکایت خواهد بود و اگر ثابت شود که اظهار کننده واقلاً بصحت انتقاد خود معتقد نبوده این خود دلیل سوء نیت محسوب میگردد زیرا نمیتوان تصور کرد که کسی با حسن نیت مطلب افترا آمیزی را که خود معتقد بان نیست راجع بدیگری اظهار نماید.

انتقاد باید خارج از موضوع نباشد مثلاً اگر کسی کتابی را انتقاد مینماید باید نظریات خود را منحصر به محتویات کتاب نماید و نباید باخلاق نویسنده حمله کند همچنین انتقاد کننده نباید در ضمن انتقاد مطالب افترا آمیزی را هم از خود وارد کند - تشخیص اینکه انتقاد خارج از موضوع است یا نه و نیز تفکیک انتقاد از اسناد با قاضی است اثبات اینکه انتقاد منصفانه است بعد از متهم میباشد یعنی باید ثابت کند که او لا مسائلی که مورد انتقاد واقع شده حقیقت دارد و ثانیاً انتقاد او استنباطی است که از یک شخص منصف میتوان متوقع بود - پس از اینکه متهم این نکات را ثابت کرد تا کسی اگر مدعی باشد که متهم سوء نیت داشته باید آنرا ثابت کند

مثلاً اگر اعمال مسلمة کسی حاکی از غفلت باشد روزنامه نباید بدون مقدمه نسبت غفلت باو بدهد بلکه باید بنویسد فلان شخص چنانچه (از فلان منابع) معروف است فلان کار را کرده است و بعد نظریات خود را راجع بان کار ذکر کرده آنرا حاکی از غفلت بداند.

اگر انتقاد از روی حسن نیت باشد اعم از اینکه عقیده انتقاد کننده صحیح باشد یا نه در دو مورد اظهار آن آزاد است یکی در مسائلی که دارای نفع عمومی باشد از قبیل اجرای عدالت - امور پارلمانی - رفتار مستخدمین دولت - اداره بنگاه های خیریه و غیره دیگر مسائلی که در معرض انتقاد عامه گذاشته شده باشد مانند تصنیفات و نمایش ها و اعلانات و نطق های عمومی

خصوصیات اخلاقی اشخاص را نمیتوان مورد انتقاد مخالف قرار داد ولو سمت اشخاص مزبور نوعی باشد که نفع عمومی راجع باخلاق آنها موجود باشد - در ضمن انتقاد منصفانه میتوان گفت فلان شخص کودن یا ابله یا بی استعداد و بی لیاقت است ولی نمیتوان گفت شریر یا نادرست یا خائن است زیرا این عناوین راجع باخلاق خصوصی او است بعبارت دیگر میتوان معایت خارجی عملیات اشخاصی را که معروفیت عامه دارند نشان داد ولی نمیتوان برای این معایب قصد منظور مخالف باخلاق حسنه قائل شد و اگر کسی چنین حمله ای باخلاق آنها بنماید نمیتواند بدفاع انتقاد منصفانه متوسل شود بلکه یا باید حقیقت اظهارات خود را ثابت نماید (دفاع اثبات حقیقت) یا ثابت کند که مطلبی که گفته است استنباط صحیحی است از مسائلی که معروفیت عامه پیدا کرده (دفاع انتقاد) پس در مورد شخصی که حمله به خصوصیات اخلاقی کسی نموده است دفاع انتقاد منصفانه موجود نیست ولی دفاع انتقاد صحیح موجود میباشد و اگر به این دفاع اخیر متوسل شود بدواً

حکم باینکه آیا انتقاد منصفانه است یا نه بابهیت ژورنی خواهد بود ولی بدو قاضی باید دو نکته ذیل را تعیین کند اولاً آیا اساساً قابل انتقاد بوده یا نه ثانیاً آیا دعوی شاکی دایر باینکه انتقاد منصفانه نیست ظاهراً معقول هست یا نه - تنها در صورتیکه شکایت مزبور در نظر اول عاقلانه باشد قاضی موضوع را بابهیت ژورنی رجوع مینماید.

### افترای شفاهی و ضرر و زیان مخصوص

افترای کتبی در همه موارد قابل تعقیب است ولی افترای شفاهی در صورتی تولید حق دعوی مینماید که شاکی ضرر و زیان متحمل شده باشد. ضرر و زیان مخصوص عبارت از فقدان یک نفع مادی است و فقدان شهرت تنها کافی نیست حتی اخراج از یک مجمع مذهبی هم کافی نیست در مورد باشگاهها اخراج عضو از باشگاه ممکن است متضمن ضرر مادی باشد ولی اگر هنوز بعضویت انتخاب نشده باشد و در اثر اظهار افترا آمیزی او را بعضویت نپذیرند این موضوع را قانون متضمن ضرر مادی نخواهد دانست - فقدان پذیرائی و مهمان نوازی درستان کافیست زیرا مهمان شدن از جنبه مالی قابل تقویم است - همچنین تفرقه بین زن و شوهر کافیست - تشویش مناظری که در نتیجه آگاهی از موضوع افترا آمیز حاصل شده باشد کافی نیست و همچنین کسانی که از این گونه پربشانی تولید نمود کافی نیست زیرا قانون (در مورد افترا) کسالت را نتیجه بلا واسطه اظهار افترا آمیز نمیداند.

لازم است خسارت وارده نتیجه مستقیم افترا باشد و هرگاه بین افترا و خسارت وارده عامل جداگانه‌ای موجود باشد مفتری مسئول نخواهد بود مثلاً اگر شخصی بدیگری اظهار کند که مستخدم فعلی شما سابقاً مستأجر من بوده و بدون دادن کرایه منزل رفته است و در نتیجه منخدم خادم را از خدمت خود خارج کند این ضرر را قانون نتیجه مستقیم افترا نمیداند زیرا این اقدامی است که از طرف یک عامل مستقل شده است.

همچنین اگر اشخاصی غیر از خود مفتری افترا را

تکرار کرده باشند و از این تکرار ضرر و زیانی به شاکی وارد آمده باشد جبران این ضرر را نمیتواند از مفتری مطالبه کند زیرا اشخاصی که آنرا تکرار کرده‌اند در واقع عوامل مستقلمی بوده اند که موجب ضرر مزبور شده اند مثل اینکه مفتری گفته باشد فلان تاجر درستکار نیست و بالتبعیجه کلاً تاجر کساد شده باشد این کسادی مستقیماً نتیجه اظهار مفتری نیست بلکه نتیجه تکرار آنست که از طرف اشخاص دیگر بعمل آمده ولی اگر خود مفتری موضوع افترا آمیز را بعد از زبانی اظهار نموده باشد البته شخصاً مسئول است.

قاعده فوق که مفتری مسئول تکرار نیست تابع دو استثناء است یکی در موردی که موضوع افترا آمیز یکی اظهار شده باشد که قانوناً یا اخلاقاً موظف به تکرار آن باشد دیگر در موردی که اظهار کننده تکرار آنرا مخصوصاً دستور داده باشد یا قصد داشته باشد که موضوع تکرار گردد زیرا قاعده کسالی اینست که شخص قاصد مسئول کلیه نتایج است حتی نتایجی که بطور غیر مستقیم حاصل شده باشد. هرگاه شاکی ضرر و زیان مخصوصی را ثابت نمیداند خسارتی که میتواند مطالبه کند محدود به همان ضرر و زیان نخواهد بود بلکه ممکن است مبلغی را مطالبه کند که بطور کلی لطمه وارده بشهرت او را جبران نماید.

### موارد افترای شفاهی که محتاج بضرر و زیان

#### مخصوص نیست

در موارد ذیل افترای شفاهی بدون اثبات ضرر و زیان مخصوص قابل شکایت است زیرا در نظر قانون این موارد نوعیست که قهراً ضرر و زیان از آن ناشی میگردد -  
 ۱ - نسبت ارتکاب جرمی که مجازات آن بیش از جزای نقدی باشد - صرف اظهار سوء ظن کافی نیست و باید اسناد قطعی باشد.

۲ - نسبت ابتلاء بامراض مقاربتی که مسری باشد.

۳ - نسبت اعمال منافی عفت به یک زن یا دختر ..

نا تمام - فواد روحانی